فهرست

[اصول/ سیره عقلائیه 2](#_Toc123390710)

[پیشگفتار 2](#_Toc123390711)

[سؤال اصلی 2](#_Toc123390712)

[سخن شهید صدر 2](#_Toc123390713)

[نکته اول 3](#_Toc123390714)

[نکته دوم 3](#_Toc123390715)

[نکته سوم 4](#_Toc123390716)

[تحقیق در مسئله 4](#_Toc123390717)

[صور احتمالات در معانی سیره متشرعه 5](#_Toc123390718)

[نوع اول سیره متشرعه 5](#_Toc123390719)

[نوع دوم: 5](#_Toc123390720)

[تفاوت این دو نوع صورت 5](#_Toc123390721)

بسم الله الرحمن الرحیم

# اصول/ سیره متشرعه

# پیشگفتار

بحث در حجیت سیره متشرعه است مقدماتی را ذکر کردیم و ملاحظه کردید و به همان اندازه اکتفا می‌کنیم

چهار پنج مطلب در مقدمات بحث مطرح شد

وارد بحث اصل حجیت این سیره متشرعه می‌شویم

# سؤال اصلی

آیا سیره متشرعه و رفتار و روشی که پیروان اسلام یا تشیع دارند و راهی که می‌آیند آن‌ها رواج دارد و متداول هست را می‌شود دلیلی بر حکم شرعی گرفت و آن را حاکی و دال بر حکم شرع و شارع قرار داد یا خیر؟

# سخن شهید صدر

ابتدا در اینجا فرمایش مرحوم شهید صدر را نقل می‌کنیم که در این کتاب بحوث جلد چهارم صفحه ۲۴۲ این فرمایش می‌توانید ملاحظه کنید.

ایشان بیانی دارند برای حجیت سیره متشرعه، و اینکه سیره‌های متشرعه می‌تواند مفید حکم شرعی باشد، دال بر حکم شرعی باشد

این بیان بی‌سابقه نیست و در کلمات بزرگان دیگر این کلام به شکلی وجود دارد و بنا بر نقل‌ها مرحوم اصفهانی در بعضی از کتبشان این نقل دارند و در قوانین به شکلی بیانی شبیه این شده است

آن بیانی که در اینجا هست را می‌گوییم و بعد مسائل جدی و متعددی وجود دارد که در ادامه طرح خواهد شد.

ایشان می‌فرماید اولاً دلالت سیره متشرعه بر همراهی شارع با آن سیره این به شکل إنّی است و متفاوت از آن برهانی است در سیره عقلا می‌آوریم

با این بیان که در سیره عقلا اگر دقت کنید ما با یک رفتاری مواجه هستیم که آن رفتار از مردم به خاطر آن نکته عقلاییه صادر می‌شود مردم به خاطر اینکه عاقلان‌اند و مردم عاقلی هستند به معاطات ترتیب اثر می‌دهند، به ید ترتیب اثر می‌دهند و آن را اماره ملکیت می‌دادند و هکذا موارد دیگر.

این سیره عقلا برخاسته و منبعث از یک وجه عقلایی عامی است که ربطی به شارع ندارد. ما با یک ضمائمی و دلایلی می‌خواهیم این رفتار عقلایی را به شارع نسبت بدهیم بگوییم شارع هم این را ردع نکرده و امضا کرده است این روشی است که آنجا طی می‌کنیم

# نکته اول

اما در سیره متشرعه بحث این است که این راه و رسمی که در میان مردم زمان معصوم وجود داشته است این حکایت از این است که از خود شارع برخاسته است و منبعث از خود شارع است برآمده از فضای شرع است و دلالت سیره متشرعه بر استناد این به شارع بسیار قوی‌تر و نزدیک‌تر است

بنابراین تفاوتی که اینجا وجود دارد باید مدنظر قرار داد و تکرار می‌کنم تفاوت این است که در سیره عقلاییه رفتاری که منبعث از شارع نیست و مستند به شارع نیست ابتدائاً و بالذات می‌خواهیم با یک دلیل ثانوی بگوییم این هم مقبول شارع است

اما در سیره متشرعه دلالت قوی‌تر است برای اینکه این رفتار و سیره برآمده از راهنمایی خود شارع است هدایت شارع بوده است که جامعه متشرعه به سمت این رفتار و عملکرد عمل کرد این تفاوت بالاست

اگر بخواهیم مثال برای سیره متشرعه بیاوریم و یا تمثیل و تشبیهی بکنیم کما اینکه در کلمات هم این تمثیل انجام شده است سیره متشرعه باید با آن اجماع قولی مقایسه کرد وقتی که فقها و علما بر یک امری اجماع داشتند و اقوالشان متفق بر یک مسئله بود آنجا چطور می‌گوییم این حاکی از نظر امام است؟ و از بابت تضمن یا قاعده لطف و امثال آن، می‌گوییم این اجماع برآمده از همان نگاه و راهنمایی و راهبری شرع است، سیره متشرعه هم شبیه آن است اتفاق علما و مردم و متشرعین در عصر امام این برآمده از آن راهبری و هدایت‌گری خود امام و معصوم است که پیدا شده است. این نکته اساسی در اینجاست.

بر این اساس باید گفت دلیل ما در حجیت سیره افاده می‌کند برآمدگی و برآمدن و انتشاع و انبعاث این رفتار از شارع است درحالی‌که در سیره عقلاییه آن رفتار از شارع ناشی نبود، آن رفتار از عقلا بما عقلا ناشی شده بود، منتهی می‌گفتیم در مرئی و منظر است و نفی نکرده است و قبول دارد اینکه کاری که برای دیگری است از ناحیه او قبول بشود خیلی فرق دارد با اینکه بگوییم کاری از ناحیه خود او هدایت شده است و سرچشمه خود اوست که به این شکل رفتار مردم متدین و متشرع در آمده است. بنابراین اینجا باید این نکته را توجه کرد

# نکته دوم

اینکه مقصود از سیره متشرعه در اینجا طبعاً متشرعه در عصر معصوم است، که میان آن‌ها محدثین و روات و شخصیت‌های برجسته وجود دارد یعنی مجموعه متشرعین و پیروان اسلام یا تشیع در عصر معصوم از یک طرف، و بما فیهم من العلما و شخصیت‌ها و روات محدثین از طرف دیگر.

با این مقدمات این جور تقریر کرد دلیل بر حجیت سیره متشرعه را.

به این که مفروض این است که متشرعه که در میان آن‌ها روات و محدثین و افراد برجسته هم وجود داشته‌اند و عصر معصوم هم مراد است وقتی که در عصر معصوم در یک مسئله‌ای شرعی محض، نه مسئله عقلایی مثلاً مسئله‌ای که خود ایشان مثال زدند. جهر در نماز است در نمازهای خاص جهر بوده است یا اخفات در نمازهای دیگر

این مسئله‌ای است که جنبه عقلایی ندارد عمل آنجا یک عمل ناشی از شرع است

اگر توجه به این نکات بکنیم تأکید می‌کنم اینکه این سیره و رفتار در فضای شرعی است و کاری به عقلا ندارد و این سیره هم در عصر معصوم بوده است

# نکته سوم

اینکه در کنشگران و کسانی که بر آن سیره آن عمل می‌کردند روات و محدثین و شخصیت‌های بزرگ هم وجود داشتند اینها را که باهم در نظر بگیرید به صورت واضح می‌توانیم حدس بزنیم و اطمینان پیدا بکنیم که این رفتار در این مسئله خاص شرعی و در آن اجوایی که در عصر معصوم بوده است یک جوری مستند به امام است و از آنجا خط گرفته است و اگر این نبود معنا نداشت که همه بر یک روشی سیر بکنند

همه نماز ظهر و عصر را اخفاتی بخوانند و همه نماز مغرب و عشا را جهر بخوانند و همه نماز جمعه را به نحو جهر بخوانند اگر در عصر معصوم همه متشرعان در یک مسئله خاص شرعی به این شکل عمل می‌کردند این نشان‌دهنده این است که از آنجا ناشی شده است

شبیه اجماع قولی است و اگر همه فقها در صدر اول و اعصار نزدیک به معصوم اتفاق در فلان مسئله دارند نشان می‌دهد که امام در بین آن‌ها هست و از امام ناشی شده است و الا همین‌جوری حرف نمی‌زنند

و این رفتار هم این طور است و اینکه بگوییم که این رفتار جهر و اخفات ناشی از یک غفلت بوده است و اینها غافلانه همین‌جور رفتار کرده‌اند این بعید است و خیلی بعید است و هر چه دایره این سیره بر حساب احتمالات وسیع باشد این که غافل بوده‌اند و سؤال نکردند و توجه نداشتند احتمال ضعیف می‌شود وقتی سیره دامنه وسیعی را در بربگیرد تقریباً این احتمال به کنار می‌رود و یک اطمینان قوی و احیاناً یک قطعی تولید می‌کند که این رفتار از آن برخاسته است.

ایشان اشاره به قانون احتمالات می‌فرمایند.

بنابراین گفته می‌شود وقتی اکثریت یا همه یا اغلبیتی از مردم در عصر تشریع در یک امر شرعی نه عقلایی اقدامی هماهنگ دارند این حکایت می‌کند و مقید هم هستند که از شرع تبعیت بکنند این اقدام هماهنگ از سوی کسانی که مقید هستند و در یک امر که جای دخالت شرع دارد و یک امر شرعی است و عقلایی نیست نشان می‌دهد که از آن نگاه شرع است و از آن راهنمایی و هدایت شارع هست.

# تحقیق در مسئله

این بحث را با نگاه کلی‌تری مورد بررسی قرار می‌دهیم و در تحقیق در مسئله مطالب و نکاتی را عرض می‌کنیم که بعضی از آن نکات در مقدمه بود و اشاراتی شد.

ضمن اینکه پیشاپیش می‌گوییم که این فرمایش را هم قبول داریم و هم قبول نداریم در یک شرایط و با قرائن و قیودی این فرمایشی تام است و ضمن این که در یک شرایطی تام نیست

توضیح مسئله

# صور احتمالات در معانی سیره متشرعه

اولین مسئله در صوری که در احتمالات و معانی که در سیره متشرعه متصور است را بیان می‌کنیم

## نوع اول سیره متشرعه

این است که سیره‌ای داشته باشیم که قرائنی در آن جمع شود و نشان دهد که این سیره یک امر طبعی و بر اساس یک روال عادی و طبیعی پیدا شده نیست این سیره برآمده از نگاه و انگشت اشاره شارع است. این یک نوع سیره هست که با قرائن و شواهدی ثابت می‌کنیم که این رفتاری که در آن عصر از ناحیه متشرعه صادر شد برآمده از نگاه و منظر و انگشت اشاره شارع است

## نوع دوم:

این است که گاهی سیره متشرعه در یک مسئله که شرعی است ناشی از طبع آن‌هاست یعنی این طبعی در فضای شرع می‌آید این‌جور می‌شود

طبع متشرعه در عصر ما این است که دعای کمیل می‌خوانند یا روضه‌خوانی دارند این انواع این شعائر و مراسم داریم که نمی‌شود گفت در عصر معصوم بوده است و نمی‌شود گفت چیز خلافی هست در پرتو فضایی که شارع و تشریع ایجاد می‌کند تمایلات آدم‌ها و گرایش‌ها می‌آید و آداب و رسوم و سننی تولید می‌کند این الی ماشاءالله در اعصار متأخره وجود دارد.

بنابراین یک نوع سیره متشرعه وجود دارد که حرفاً بحرف از شارع سرچشمه می‌گیرد و جریان پیدا می‌کند در مقام ثبوت فرض می‌گوییم

نوع دوم سیره‌های متشرعه داریم که در پرتو شارع و هدایت‌های شرع اینها شکل گرفته است اما در تفاصیل و جزئیات نه، طبع بشری شرایط زمان و شرایط مکان هم دخالت کرده و یک سنن و آدابی شکل گرفته است یک ویژگی‌هایی در نوع اجرای آن تعالیم شرع پیدا شده است

قران را آموزش بدهید، حال این آموزش قران در منزل توسط یک نفر به بچه خودش یا در جمع کلاس تشکیل بشود یا به روش هجایی قبلی باشد یا به روش الفبایی امروز باشد هیچ کدام از اینها در شرع نیست وقتی طبع بشر بیاید بخواهد در آن فضای شرعی امتثال کند این طبع هم می‌آید در نوع عمل و اقدام تصرفاتی می‌کند ممکن است در جهر و اخفات هم بشود گفت که شارع می‌گوید نماز را بخوان و دعا را بخوان، اینکه آرام بخوان یا بلند بخواند، ممکن است کسی بگوید طبعش این است که آرام بخواند یا در شرایطی کشش این است که بلند بخواند و جهر بخواند.

این است که نوعی از سیره‌های متشرعه داریم که قطعاً در مقام امتثال و کیفیت اجرای همان که از شارع گرفته است یک تمایلاتی طبع او، تمایلات او و شرایط زمان و مکان دخالت می‌کند و طبق آن انجام می‌دهد.

## تفاوت این دو نوع صورت

آن که ما با این مقدمه عرض کردیم و تفاوت این دو اینجا می‌شود بیان کرد این است که اگر بخواهیم سیره متشرعه را از قبیل اول بدانیم و از قسم اول بشود نیاز به شواهد قوی دارد همین‌جور نمی‌شود گفت هر چه در میان متشرعه رواج یافت همان متشرعه عصر معصوم، این به شکل ویژه از ناحیه شارع الهام می‌گیرد و شارع آن راه را نشان داده است و گفته است این‌جور انجام بدهید یعنی جهر بخوانید. اخفات بخوانید و بخواهد یک تکلیف درست بکند، تکلیف خاص شرعی به وصف شرعی درست کند. این می‌شود ولی قرائن جدی می‌خواهد.

باید قرائنی ضمیمه کنیم که بگوییم این رفتار برآمده از شرع است و یک حکمی فراتر از جواز بخواهیم استفاده بکنیم و بگوییم نماز ظهر جهر است، نماز مغرب و عشاء جهر است، نماز ظهر و عصر اخفات است بخواهیم یک شکلی را به شرع نسبت بدهیم و بگوییم این درست است و این راهش است.

این اسناد شرعیت یک روش به شارع به شکل اول، و این که این روش از شارع منبعث است با اشاره چشم و انگشت او این راه تشریع شده است حالا الزام در آن هست یا تشریع در آن هست این راه را بخواهیم برویم این راه را طی بکنیم، شواهدی بیش از آن می‌خواهد که در متن شهید صدر است شاید ایشان بگوید من در اینجا در حد اباحه و جواز را می‌خواهم بگویم و بیش از این را نمی‌خواهم بگویم اگر مثال نزده بود ولی مثالشان این نیست می‌خواهند بگویند جهر موضوعیت دارد. چون سیره متشرعه بر جهر بوده است اخفات موضوعیت دارد، این نوع عمل کردن موضوعیت دارد تأکید شارع بر آن به نحو الزام و تأکید است

به نظر می‌آید که آنجایی که بخواهیم سیره متشرعه را در نوع اول قرار بدهیم و بگوییم این رفتار برآمده از شرع است نه اینکه مقبول از شرع است و منبعث از شرع است و شارع آن را جعل کرده است نیاز به قرائنی دارد، بیش از آن که اینجا گفته شده است.

یکی از قرائنی که در جهر و اخفات وجود دارد اینکه اگر نمازها همه جهر بود یا همه اخفات بود آنجا ممکن بود که بگوییم طبعشان این بوده است اما وقتی به سیره متشرعه می‌رویم می‌بینیم یک جایی جهر است و یک جایی اخفات است. این قرینه می‌شود بر اینکه این یک امر طبیعی و متعارف و عادی نبوده است این برآمده از یک اشاره‌ای است که همه متشرعین در عصر معصوم نماز ظهر را مخصوصاً نماز ظهر و عصر را اخفات می‌خواندند و جمعه که می‌شد جهر می‌خواندند یا هر روز این دو نماز را اخفات می‌خواندند آن سه نماز را جهر می‌خواندند

اینکه تفاوت پیدا کرد درحالی‌که وجه تفاوت جدی در طبع بشر نیست اگر طبع باشد گاهی این‌جور می‌خوانند و گاهی آن جور می‌خوانند. بدون حساب و کتاب تابع حال و شرایط و وضع هست.

اما اینکه منظم در یک روز نمازها را برخی جهر و برخی اخفات بخواند این نشان می‌دهد که از یک جایی ناشی شده است.

این فرمایش ایشان اگر بخواهد بگوید سیره متشرعه از نوع اول است و برآمده از تبلیغ و هدایت و تبیین شارع است نیاز به قرائن بیش از این دارد که بگوییم آقایان محدثین و مردم و متشرعه در عصر معصوم این‌جور عمل می‌کردند در مسئله‌ای که کلیت آن از مسائل دین است نه مسائل عقلایی. هر جایی باید قرائن را پیدا کرد

البته صدها قرینه ممکن است پیدا کرد که مستند به شارع باشد از قبیل این که الان اینجا گفتم که هر روز نمازها را متفاوت می‌خواند یکی را جهر می‌خواند و یکی را اخفات می‌خواند همه این‌طور هستند و مستمراً این‌طور هستند این معلوم می‌شود نکته‌ای وجود دارد یا الزام یا ترجیح یا حتی الزام است این تکرر و تفاوت وقتی کنار هم قرار بگیرد نشان‌دهنده این است که این تفاوت، تفاوت الزامی است در جهر و اخفات

اگر این جور قرائن و شواهد جمع نشود به صرف اینکه طوری عمل می‌کردند در امتثال اوامر شرعی یا مسائلی که در دایره امور شرعی بوده است نمی‌توان گفت این از شارع ناشی شده است و شارع آن را به این سمت هدایت کرده‌اند

آن وقت اگر این قرائن ویژه جمع شد نوع اول می‌شود شبیه اجماع قولی می‌شود که اتحاد اقوال و اتفاق انظار آن‌ها نشان می‌دهد که شارع این را گفته است از آن جا ناشی شده است

اگر آن شواهد جمع نباشد آنجا نوع دوم می‌شود که در واقع رفتارهایی است که متشرعه در پرتو همان مسائل کلی شرع پیدا کرده‌اند و تحت تأثیر کلیت شرع هستند اما اینکه در تفاصیل تحت تأثیر آن باشند را نمی‌شود اثبات کرد

اگر قرائن به آن حد اول باشد می‌شود سیره متشرعه به معنای خاص، یعنی سیره ناشی از شارع اگر نباشد نوع دوم می‌شود و در نوع دوم شبیه سیره‌های عقلاییه می‌شود می‌گوییم اینها در مرئی و منظر معصوم در مقام امتثال جهر خوانده‌اند یا اخفات خوانده‌اند، روی زمین نماز خوانده‌اند یا فرش انداخته‌اند نماز خوانده‌اند، این باید برود در مسیر اینکه در مرئی و منظر است و ردع نشده است و جزو سیره‌های عقلاییه می‌شود و حکم آن حکم سیره‌های عقلاییه می‌شود ولی اعتبار اینها همان اعتبار حداقلی می‌شود که شارع دید و ردع نکرد و علی‌الاصول از آن جواز استفاده می‌شود

خود ایشان ابتدا می‌فرماید این با سیره عقلاییه فرق دارد که در ادامه تعابیری می‌آورد که به آن نزدیک می‌شود علت این است که دو نوع متصور است و این دو نوع تفکیک نشده است گاهی به آن سمت می‌رود و گاهی به این سمت.

در ابتدا ایشان می‌فرماید و علی هذا الاساس تکون هناک سیرتان، سیرتهم بما هم متشرعه و سیرتهم فی القضایا للعقلا و ملاک کاشفیت کل من السیرة عن قبول الشارع لمضمون تلک السیرة یختلف عن الاخر، فسیرة المتشرعیه، دلالت‌ها علی قبول الشارع لمضمونها تشبه دلالة البرهان الانی » می‌گوید این ناشی از شارع است این را می‌فرماید بعد در صفحه بعد می‌فرماید اما این روش را نمی‌شود در سیره عقلا جاری کرد متفاوت است

اما در میان بحث این‌جوری می‌فرماید که «و من الواضح انّ التطابق آراء الاصحاب المتشرعه فی عصر من هذا القبیل لا محال یکشف ان تلقیهم ذلک الحکم من الشارع بمعنا استناد موقفهم العملی الیه لأنّ احتمال استناده الی نکات عقلاییه غیر موجود کالجهر فلو فرض انّ سلوکهم المذکور مما لا یرضی به الشارع و غیر مقبول لدیه بل غیر مستند الیه» این اشکال پیدا می‌کند

یک جایی هم قبول کلی را می‌آورد و یک جایی هم بحث استناد را می‌آورد ما می‌گوییم این دو باید تفکیک بشود.

برخی از سیره‌ها و با شواهد ویژه نوع اول می‌شود یعنی این شکل و رفتار از خود شارع برگرفته شده و الهام گرفته شده است و آن شکل هم تعبدی وجود دارد، جهر و اخفات است و این دلایل ویژه می‌خواهد

نوع دوم هم این‌طور نیست رفتارهایی است که در مقام امتثال و انجام تکالیف شرعی شکل گرفته است ولی این منبعث از شارع نیست منتهی مثل هر رفتار عقلا، در مرئی و منظر معصوم بوده و ردع نکرده است پس تأیید است

آن اولی می‌تواند وجوب و استحباب و امثال اینها را برساند ولی دومی علی‌القاعده در حد جواز است که در سیره‌های عقلایی هم غالباً این است

آنجا علی‌الاصول استناد می‌شود اینجا مقبولیت می‌شود این یک بحثی هست که نسبت به فرمایش ایشان داریم.

صلی الله علی محمد و آل محمد